

عهد جدید

- تاریخ نگارش و نویسندگان -

عبدالرحیم سلیمانی

چکیده: عهد جدید، بخشی از مجموعه کتاب مقدس است، که تنها مسیحیان آن را قبول دارند و یهودیان آن را جزء کتاب مقدس خود نمی‌دانند. این بخش دربردارنده کتابها و رساله‌هایی است که از نظر محتوا، تاریخ نگارش و نویسنده متنوع‌اند. نکته جالب توجه درباره این مجموعه آن است که علاوه بر این که منبع اصلی اعتقادات و باورهای مسیحی است، منبع منحصر به فرد زندگینامه و سیره مؤسس آیین و نیز تاریخ این دین تا پایان قرن اول است؛ به گونه‌ای که برای حوادثی که در سده اول مسیحی برای این دین پیش آمده، هیچ منبع دیگری غیر از عهد جدید در دسترس نیست.

این مجموعه در ابعاد عقیدتی و عملی دوگانه است؛ و در بخشی از آن همان ابعاد عقیدتی و عملی عهد قدیم دنبال شده، و بر انسان بودن و فرستاده خدا بودن حضرت عیسی و نیز وجوب پایبندی به شریعت موسوی تأکید شده است. در بخش دیگر این مجموعه، بر جنبه الهی حضرت عیسی و نفی شریعت موسوی تأکید شده است.

با توجه به این که این مجموعه در مدتی نزدیک به یک قرن و به دست نویسندگان مختلف نوشته شده است، تعیین تاریخ نگارش هر قسمت و نیز نویسندگان آنها بسیار اهمیت می‌یابد. قطعاً وثاقت و اعتبار، با توجه به نزدیکی زمان نگارش به ابتدای ظهور دین، قوت می‌گیرد؛ و از سوی دیگر، احتمال تأثیر نوشته مقدم بر متأخر می‌رود. همچنین نویسنده کتاب می‌تواند حجیت و اعتبار آن را بالا ببرد؛ مثلاً اگر کتاب یا نوشته‌ای با دلیل قطعی به حواریون حضرت عیسی نسبت داده شود، قطعاً اعتبار آن افزایش می‌یابد.

مقدمه

کتاب مقدس مسیحیان از دو بخش اصلی تشکیل شده است: ۱. عهد قدیم، که بیش از سه چهارم این کتاب را در بر می‌گیرد، و مسیحیان و یهودیان آن را معتبر می‌دانند؛ ۲. عهد جدید، که تنها مورد قبول مسیحیان است.

عهد جدید شامل ۲۷ کتاب و رساله است. این مجموعه با چهار انجیل آغاز می‌شود، که به متی، مرقس، لوقا و یوحنا منسوب‌اند. پس از آن، کتابی است به نام اعمال رسولان. سپس سیزده یا چهارده رساله منسوب به پولس، یک رساله منسوب به یعقوب، دو رساله منسوب به پطرس، سه رساله منسوب به یوحنا و یک رساله منسوب به یهودا، آمده است. این مجموعه با مکاشفه یوحنا پایان می‌یابد.

گفتنی است که در میان مسیحیان هیچ کس معتقد نیست که بخشی از این مجموعه یا هیچ کتاب دیگری را حضرت عیسی علیه السلام آورده است. آنها می‌گویند معنا ندارد که آن حضرت کتابی بیاورد، چون کتاب وحی است، و وحی بر واسطه بین خدا و انسان نازل می‌شود؛ در حالی که حضرت عیسی خود خدا و کلمه اوست. پس خودش وحی است، و زندگی و سیره و گفتار او برای هدایت انسانها کفایت می‌کند.^۱ آنها معتقدند این مجموعه را کسانی نوشته‌اند که مورد تأیید روح القدس بوده‌اند.

با توجه به تنوع این مجموعه از نظر نویسنده و محتوا و تاریخ نگارش، می‌توان آن را به چند لحاظ تقسیم کرد:

۱. محتوا. از این جهت که عمده محتوای هر بخش چیست، این مجموعه را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

الف) بخش تاریخی، که عمدتاً به تاریخ زندگی و فعالیت‌های حضرت عیسی و حواریون می‌پردازد. این بخش که از چهار انجیل و کتاب اعمال رسولان تشکیل شده است، از اندکی قبل از تولد حضرت عیسی تا اندکی قبل از کشته شدن پطرس و پولس، یعنی تا حدود سال ۶۳ میلادی را در برمی‌گیرد. مطالب متنوعی در این بخش وجود دارد، اما عمده مطالب آن تاریخ و زندگی‌نامه است.

ب) بخش عقیدتی، که عمدتاً به ترویج عقاید و دفاع از آنها و رد عقاید دیگر می‌پردازد. ۲۱ رساله موجود در عهد جدید، این بخش را تشکیل می‌دهند. در این بخش اگر به مسئله‌ای تاریخی هم اشاره شده باشد، بیشتر برای اثبات یا تقویت مسئله‌ای عقیدتی است.

ج) بخش پیشگویی، که در آن وقایع آخرالزمان و آمدن مجدد حضرت عیسی به صورت یک رؤیا و مکاشفه، پیشگویی شده است. در این بخش تنها کتاب مکاشفه یوحنا قرار دارد.

۲. تاریخ نگارش. سده اول مسیحیت را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

الف) عصر حیات زمینی مؤسس دین، یعنی حضرت عیسی. در این دوره تعداد مسیحیان اندک و محدود به منطقه یهودا (فلسطین) بوده است. این دوره در حدود سال ۳۰ میلادی پایان می‌یابد.

ب) عصر گسترش مسیحیت. در این دوره دو شخصیت عمده تاریخ مسیحیت پس از حضرت عیسی، نقش آفرینی می‌کنند. نزاعهای بین پطرس - که بزرگترین حواری حضرت عیسی بوده، و آن حضرت او را سنگ زیربنای کلیسا نامیده،^۱ و شبانی امت را به او سپرده بود -^۲ با پولس - که بعداً ایمان آورد و مدعی شد که حضرت عیسی را پس از به صلیب کشیده شدن دیده، و آن حضرت به او مأموریت داده است^۳ - در این دوره، واقع شده است. در این دوره که نزاع سختی بین حواریون به سرکردگی پطرس و پولس، بر سر مسائل عقیدتی و شریعت در جریان بوده است، مسیحیت به دست پولس گسترش می‌یابد و در سراسر امپراتوری روم پیرو پیدا می‌کند. این دوره با کشته شدن پطرس و پولس در سال ۶۴ میلادی پایان می‌یابد.

ج) عصر نزاعهای عقیدتی. پس از کشته شدن پطرس و پولس، نزاع بین اندیشه‌ها و برداشتهای این دو فرد از مسیحیت ادامه می‌یابد. در این دوره است که غلبه اندیشه‌های پولسی بر پطرسی تا حدی نمایانتر می‌شود.

گفته می‌شود برخی از حواریون حضرت عیسی تا پایان این دوره، یعنی حدود سال ۱۰۰ میلادی، می‌زیسته‌اند.

با توجه به این سه دوره، که تا پایان قرن اول ادامه می‌یابد، و نیز قرن دوم، می‌توان از مجموعه عهد جدید تقسیم دیگری به دست داد. هیچ یک از مسیحیان، و نیز محققان، مدعی نشده‌اند که بخشی از این مجموعه در دوره اول، یعنی در زمان حیات زمینی حضرت عیسی، نگاشته شده است. از سوی دیگر، بیشتر محققان بر آن‌اند که عمده این مجموعه در دوره‌های دوم و سوم نگاشته شده است، و تعداد اندکی از آنها در قرن دوم. حال اختلاف در این است که کدام بخشها در دوره دوم و کدام در دوره سوم نگاشته شده است.

۳. مؤلف. در مجموعه عهد جدید، غیر از هفت یا هشت رساله پولس، در نویسندگان بقیه بخشها تردید است، و از خود هر یک از قسمتها دلیل قابل توجهی برای تعیین نویسندگان آنها به

کتاب عهد جدید

یعنی

انجیل مقدس

خداوند و بجات دهنده ما

عیسایح

که از زبان اصلی یونانی ترجمه شده است

۱. متی، ۱۶: ۱۸ - ۱۹.

۲. یوحنا، ۲۱: ۱۵ - ۱۷.

۳. اعمال رسولان، ۹: ۱ - ۱۰.

دست نمی‌آید. با توجه به این که هر بخش از این مجموعه به کسی نسبت داده شده است، آن را می‌توان به این لحاظ تقسیم کرد:

بخشهایی از این مجموعه به حواریون منسوب است؛ انجیل اول و چهارم به ترتیب به متی و یوحنا؛ سه رساله و کتاب مکاشفه به یوحنا، و دو رساله به پطرس منسوب است. این سه نفر از حواریون بوده‌اند. بخشهایی از عهد جدید نیز به افرادی دیگر منسوب است. صحت این انتسابها باید مورد بحث قرار گیرد.

۴. مسیح‌شناسی. در عهد جدید با دو نوع مسیح‌شناسی روبه‌رو می‌شویم: در یک بخش مسیح انسان، پیامبر خدا^۱، بنده خدا^۲ و پسر انسان است؛^۳ و اگر هم به او پسر خدا اطلاق می‌شود، به معنای بنده مقرب و برگزیده خداست؛ در بخش دیگر، او خود خدا،^۴ خالق آسمان و زمین^۵ و پسر خداست؛ به این معنا که همذات با خداست.

اگر مسیح‌شناسی اول را عیسی بشری، و دوم را عیسی خدایی بنامیم، مجموعه عهد جدید را نیز می‌توان به این دو بخش تقسیم کرد. اگر کتاب مکاشفه را، که درباره پیشگوییهای آخرالزمان است و به این بحث مربوط نمی‌شود، کنار بگذاریم، می‌توان گفت نوشته‌های پولس و انجیل و رساله‌های منسوب به یوحنا به بخش عیسی خدایی، و بقیه قسمت‌ها به بخش عیسی بشری تعلق دارند. در بخش اخیر، سه انجیل متی، مرقس و لوقا قرار دارد، که به لحاظ مشابهت مطالبی که درباره حضرت عیسی نقل کرده‌اند، به آنها انجیل هم‌نوا^۶ گفته می‌شود.

با توجه به آنچه گذشت، درباره زمان نگارش قسمت‌های مختلف عهد جدید و نویسندگان آنها سؤالاتی مطرح می‌شود: به لحاظ تاریخی کدام قسمت عهد جدید زودتر نگاشته شد و در دسترس مردم قرار گرفت؟ مسیحیت در دوره دوم قرن اول، یعنی از حدود سال ۳۰ میلادی تا سال ۶۴ میلادی، به قسمت‌های دیگر امپراتوری روم نفوذ کرد، و غیریهودیان، که با اندیشه‌های یهودیت آشنایی نداشتند، به مسیحیت گرویدند؛ این غیریهودیان، که به زودی اکثریت مسیحیان را تشکیل دادند، ابتدا با کدام روایت از مسیحیت مواجه شدند؟ آیا بخش عقیدتی عهد جدید زودتر نگاشته شده و در اختیار مردم قرار گرفته یا بخش تاریخی، و کدام یک تحت تأثیری دیگری بوده است؟ افراد مختلفی که این مجموعه را به وجود آورده‌اند، کدام یک تحت تأثیر دیگری بوده‌اند؟ نوشته‌های منسوب به یوحنا، که از نظر مسیح‌شناسی دنباله‌رو نوشته‌های

۱. متی، ۱۳: ۵۷؛ لوقا، ۴: ۱۳: ۲۳.

۲. اعمال رسولان، ۳: ۱۳.

۳. متی، ۸: ۲۰، و موارد بسیار دیگری در عهد جدید.

۴. یوحنا، ۱: ۱.

۵. رساله پولس به کورنسیان، ۱: ۱۶.



پولس هستند، در چه زمانی و تا چه اندازه تحت تأثیر او نوشته شده‌اند؟ سه انجیل هم‌نوا، که از نظر مسیح‌شناسی در مقابل نوشته‌های پولس قرار دارند، چه زمانی نوشته شده‌اند و میزان تأثیرپذیری آنها از همدیگر و از نوشته‌های پولس چه مقدار است؟ با توجه به این سؤالات، بحث را بی می‌گیریم.

پولس، نخستین نویسنده عهد جدید

ترتیب فعلی عهد جدید به گونه‌ای است که انجیل چهارگانه و کتاب اعمال رسولان قبل از رساله‌های پولس و دیگر قسمت‌های عهد جدید واقع شده‌اند. همچنین این پنج کتاب، بخش تاریخی عهد جدید را تشکیل می‌دهند و به زمانی می‌پردازند که هنوز پولس تغییر کیش نداده بود. پس به لحاظ منطقی بر رساله‌های پولس تقدم دارند. اما همه اینها دلالت نمی‌کنند که تاریخ نگارش این چهار انجیل بر قسمت‌های دیگر مقدم است.

در یکی دو قرن اخیر عده زیادی در غرب به نقد کتاب مقدس و تحلیل متنی آن پرداخته‌اند و از درون خود این متون شواهد قانع‌کننده‌ای برای تاریخ تقریبی نگارش قسمت‌های مختلف عهد جدید یافته‌اند؛ هر چند خودشان معترف‌اند که تاریخ دقیق هیچ یک از این قسمت‌ها را نمی‌توان معین کرد.

از جمله مهم‌ترین دستاوردها این است که نخستین نوشته‌های عهد جدید، رساله‌های پولس بوده است. امروزه کمتر کسی از محققان با این مطلب مخالف است. از سوی دیگر، تنها قسمتی از عهد جدید، که از نظر نویسنده مورد اختلاف نیست، نوشته‌های پولس است؛ و چون او در زمانی بین ۳۵ تا ۴۰ میلادی تغییر کیش داده و در سال ۶۴ میلادی به قتل رسیده است، پس زمان تقریبی نگارش این رساله‌ها مشخص می‌شود.

برخی از دانشمندان تاریخ تقریبی نگارش هر قسمت را بیان کرده‌اند، و ما با مقایسه این تاریخ‌ها می‌توانیم به تقدم تاریخ نگارش رساله‌های پولس، و این که آنها اولین نوشته‌ها بوده‌اند، پی ببریم. ما هنگامی که به هر یک از این کتابها و رساله‌ها می‌پردازیم، برخی از این اقوال را نقل می‌کنیم. برخی دیگر از این دانشمندان به این نکته تصریح کرده‌اند؛ مریل سی. تنی^۱ می‌گوید:

کتابهای عهد جدید از نظر تاریخی به ترتیبی که در کتاب مقدس قرار داده شده‌اند، نوشته نشده‌اند. نباید خیال کرد که چون مثلاً انجیل قبل از نوشته‌ها بوده‌اند، پولس قرار داده شده‌اند، پس حتماً زودتر از آنها نوشته شده‌اند. به علاوه، امکان دارد بین تاریخ تألیف و زمان مطالبی که به آنها اشاره شده، فاصله قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد؛ مثلاً مرقس در مورد زندگی مسیح مطالبی ذکر

می‌کند که در دهه سوم قرن اول میلادی واقع شده‌اند، ولی خود انجیل قبل از سالهای ۶۵ تا ۷۰ میلادی در دسترس عموم قرار نگرفت.^۱

و. م. میلر، پس از این که در یک بخش به زمان نوشته شدن رساله‌های پولس اشاره می‌کند، در فصل بعد می‌گوید که چون تعالیم رساله‌ها و حکایات شفاهی کافی نبود، پس نیاز پیدا شد که اموری درباره زندگی، تعالیم و معجزات عیسی نوشته شود. بنابراین، عده‌ای احساس وظیفه کردند که انجیل بنویسند.^۲
توماس میشل می‌گوید:

از جمله کتابهای عهد جدید سیزده نامه است، که به پولس نسبت داده می‌شود. زمان نگارش این نامه‌ها از همه کتابهای عهد جدید جلوتر است.^۳
جوان ا. گریدی می‌گوید:

در سالهای نخست تولد مسیحیت هیچ گزارشی یا تعلیم مکتوبی وجود نداشت...؛ نخستین گزارشهای مکتوبی که درباره مسیحیت موجود است، رساله‌های پولس قدیس است. این رساله‌ها احتمالاً بین سالهای ۵۰ میلادی و سال مرگ پولس، یعنی حدود ۶۴ میلادی، نوشته شده‌اند.... بنابراین، رساله‌های پولس قدیس، همراه با عهد قدیم، نخستین نوشته‌هایی بود که کلیساها به کار می‌بردند.^۴

نویسنده‌ای دیگر با اذعان به این که رساله‌های پولس قبل از اناجیل و دیگر قسمتهای عهد جدید نوشته شده‌اند، احتمال می‌دهد که تنها رساله کوچک یعقوب قبل از رساله‌های پولس نوشته شده باشد:

چهار انجیل به حوادث سی سال اول عصر مسیحی می‌پردازند و رساله‌های عهد جدید به باقیمانده قرن اول تعلق دارند، اما چند عدد از این نامه‌ها حتی قبل از قدیمترین اناجیل موجود بوده‌اند. نخستین اسناد عهد جدید، آن دسته از رساله‌های پولس هستند که قبل از دو سال حبس وی در روم (۶۰-۶۲ میلادی) نگاشته شده‌اند. البته احتمالاً یک استثنا وجود دارد، و آن رساله یعقوب است.^۵
دیگری می‌گوید:

قدیمترین متن موجود مسیحی نامه‌های پولس است...؛ آنها قدیمترین بخش

۱. معرفی عهد جدید، ۱/۱۳۸-۱۳۹.
۲. تاریخ کلیسای قدیم، ص ۶۶-۶۹.
۳. کلام مسیحی، ص ۵۴.
۴. مسیحیت و بدعتها، ص ۴۶-۴۷.

عهد جدید هستند. در دایره دانشمندان گهگاه اظهار می شود که رساله یعقوب ... نخستین رساله از عهد جدید است، اما تقریباً همه متفق اند که رساله اول پولس به تسالونیکیان، قدیمترین سندی است که بعداً برای تشکیل عهد جدید جمع آوری شد.^۱

برای این که اهمیت تقدم تاریخ نگارش رساله های پولس بر قسمتهای دیگر عهد جدید، به ویژه اناجیل همونوا، روشن شود، به چند نکته باید اشاره کنیم:

۱. از کتاب اعمال رسولان و رساله های پولس این نکته به دست می آید که در دوره دوم سده اول مسیحی، یعنی از پایان حیات زمینی حضرت عیسی (حدود ۳۰ میلادی) تا زمان کشته شدن پطرس و پولس (۶۴ میلادی)، دو روایت از مسیحیت در کار بوده است؛ و این دو نفر رهبری جناحهای مدافع این دو روایت را بر عهده داشته اند. اختلاف اصلی این دو روایت در دو چیز است: ۱. مسیح شناسی؛ ۲. عمل به شریعت. مسیح شناسی گروه اول به رهبری پطرس، عیسی بشری است. آنها عیسی را انسان و بنده خدا می دانند. این اندیشه در سه انجیل همونوا به چشم می خورد. مسیح شناسی گروه دیگر، عیسی خدایی است، و مسیح نزد آنان خدای متجسد به شمار می رود. همچنین گروه اول عمل به شریعت یهود را لازم می دانستند، ولی پولس چنین اعتقادی نداشت.

همچنین از رساله های پولس و نیز کتاب اعمال رسولان بر می آید که نزاع سختی بین این دو گروه در جریان بوده است. پولس می گوید:

اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را رو به رو مخالفت نمودم، زیرا که مستوجب ملامت بود. چون که قبل از آمدن بعضی از جانب یعقوب با امتهای غیر یهودیان / غذا می خورد، ولی چون آمدند از آنانی که اهل ختنه / یهودیان / بودند ترسیده، باز ایستاد و خویشتن را جدا ساخت. و سایر یهودیان هم با وی نفاق کردند؛ به حدی که برنابا نیز در نفاق ایشان گرفتار شد. ولی چون دیدم که به راستی انجیل به استقامت رفتار نمی کنند، پیش روی همه پطرس را گفتم: اگر تو که یهود هستی، به طریق امتهای، و نه به طریق یهود، زیست می کنی، چون است که امتهای را مجبور می سازی که به طریق یهود رفتار کنند؟^۲

پولس از این که عده ای از اهالی غلاطیه به طرف گرایش دیگر جذب شده اند، ناراحت شده و می گوید:

ای غلاطیان بی فهم! کیست که شما را افسون کرد تا راستی را اطاعت نکنید که

1. ER. ME , Vol. 2. P. 186.

۲. رساله پولس به غلاطیان، ۲: ۱۱ - ۱۴.

پیش چشمان شما عیسی مسیح مصلوب شده مبین گردید. فقط این را می‌خواهم از شما بفهمم که روح را از اعمال شریعت یافته‌اید یا از خبر ایمان؟ آیا این قدر بی‌فهم هستید که به روح شروع کرده، الان به جسم کامل می‌شوید؟^۱

۲. فعالیت حواریون و پطرس بیشتر در میان یهودیان و منطقه یهودا متمرکز بود. این منطقه بخش بسیار کوچکی از امپراتوری روم بوده است. اما پولس با این که قبول داشت حضرت عیسی پطرس را به جانشینی خود و رهبری امت برگزیده است، مدعی شد مأموریتی که به پطرس داده شده، تنها بشارت یهودیان است، و بشارت غیریهودیان را حضرت عیسی پس از صلیب به خود از او گذار کرده است:

بلکه به خلاف آن چون دیدند که بشارت نامختونان^۲ به من سپرده شد؛ چنان که بشارت مختونان به پطرس. زیرا او که برای رسالت مختونان در پطرس عمل کرد، در من هم برای امتهای عمل کرد. پس چون یعقوب و کیفا و یوحنا، که معتبر به ارکان بودند، آن فیضی را که به من عطا شده بود، دیدند، دست رفاقت به من و برنابا دادند تا ما به سوی امتهای رویم؛ چنان که ایشان به سوی مختونان.^۳

پس پولس به سوی امتهای و غیریهودیان می‌رود و حواریون به فعالیت در میان یهودیان می‌پردازند. اما این تقسیم نابرابر است؛ چرا که یهودیان اقلیت بسیار کوچکی در امپراتوری روم بودند. بنابراین، دامنه فعالیت پولس بسیار بیشتر بوده است. اهمیت این مسئله در این است که پس از گسترش مسیحیت و نفوذ آن در سراسر امپراتوری روم، اکثریت قاطع مسیحیان را غیریهودیان تشکیل می‌دادند؛ و این اکثریت از طریق روایت پولسی با مسیحیت آشنا شده بودند.

۳. روایت پطرسی از مسیحیت، ریشه در یهودیت داشت، و اصول آن با دین یهود هماهنگ بود. بنابراین، این روایت برای یهودیان قابل فهم بود، اما برای غیر یهودیان - که با مبانی دینی یهود و متون مقدس آنان آشنایی نداشتند، و سنت و اندیشه‌های دینی بسیار متفاوتی داشتند - آسان نبود. اما روایت پولسی قرابت بسیار نزدیکی با اندیشه‌های آنان داشت. جان. بی. ناس می‌گوید:

اما چون وی نزد امم غیریهودی به دعوت مبعوث بود، فکر مسیحیت، و بعثت و رجعت او به کلی نزد ایشان فکری بیگانه بود. از این رو، پولس از راه دیگری که متناسب با فکر و اندیشه آن اقوام بود، درآمد.^۴

۱. همان، ۳: ۱-۳.

۲. چون در یهود ختنه واجب است، و در آن زمان غیریهودیان ختنه نمی‌کردند، آنها را نامختونان می‌نامند.

۳. رساله پولس به غلاطیان، ۲: ۷-۹.

۴. تاریخ جامع ادیان، ص ۶۱۷.

ویل دورانت می‌گوید:

پولس ... الهیاتی به وجود آورد که در سخنان مسیح چیزی جز نکات مبهم از آن نمی‌توان یافت. هر انسانی که از زن به دنیا بیاید، وارث گناه آدم است، و از نفرین ابدی جز به وسیله مرگ پسر خدا، که کفاره گناه است، نمی‌تواند نجات یابد.^۱ چنین مفهومی برای مشرکان قابل قبولتر از یهودیان بود.... غیریهودیان انطاکیه و شهرهای دیگر، که هرگز مسیح را در حیاتش نشناخته بودند، نمی‌توانستند او را جز به شیوه خدایان منجی بپذیرند.^۲

نویسنده مسیحی دیگری می‌گوید:

پولس به جنبشهای دینی زمانش به شدت اهتمام می‌ورزید و به یهودیت و آیین میترا و دیانت آن زمان، که اسکندریه آن را پذیرفته بود، بسیار دانا بود. بنابراین، بسیاری از افکار و مصطلحات آنها را به مسیحیت منتقل کرد و به توسعه و رشد اندیشه اصلی عیسی، که اندیشه ملکوت آسمان بود، اهمیتی نمی‌داد. ولیکن به مردم تعلیم می‌داد که عیسی فقط مسیح موعود و زعیم یهود، که وعده داده شده است، نیست، بلکه او پسر خداست که به زمین نزول کرده است تا خودش را قربانی کند و به صلیب رود تا کفاره گناه انسان شود. پس مرگ او قربانی ای مثل قربانی شدن خدایان برای نجات بشر در ادیان ابتدایی بود؛ و مسیحیت چیزهای زیادی از این دینها به عاریه گرفت.^۳

با توجه به آنچه گفته آمد، روشن می‌شود که زمینه تأثیر و نفوذ رساله‌های پولس چه اندازه بوده است. رساله‌های پولس اولین نوشته‌هایی است که در کلیساهای مسیحی خوانده می‌شده، و زمینه‌های پذیرش آنها هم زیاد بوده است. بنابراین، اگر دیگر قسمتهای عهد جدید در دوره سوم قرن اول، یا پس از آن، که اکثریت قاطع مسیحیان را غیریهودیان تشکیل می‌دادند، نوشته شده باشند، میزان تأثیر اندیشه‌های پولس را در آنها باید بررسی کرد. مسلماً با مرور زمان روایت پطرسی مسیحیت ضعیف‌تر می‌شده است، و روایت پولسی قوی‌تر:

پولس حواری را غالباً دومین مؤسس مسیحیت لقب داده‌اند و مسلماً او در این راه جهاد کرد و فرقه طرفداران اصول و شرایع موسوی را مغلوب ساخت؛ به طوری که آنها اهمیت، موقع و مقام خود را بر اثر مساعی پولس از کف دادند، ولی اهمیت او بیشتر از آن جهت است که وی اصول لاهوت و مبادی الوهی (تئولوژیک) خاصی به وجود آورد که آثار روحانی مبادی عیسی را در ضمیر و

۱. رساله پولس به رومیان، ۵: ۱۲.

۲. تاریخ تمدن، ۳/ ۶۸۹.

روح پیروان او ثابت و مستقر ساخت؛ و همین اصول سبب شد که نصرانیت عالمگیر شود و در ممالک جهان انتشار یابد؛ و از این جهت، بزرگترین خدمت را در تحول تمدن غربی، پولس انجام داده است.^۱

رساله‌های پولس

در عهد جدید چهارده رساله وجود دارد که یا به صورت قطعی و یا احتمالی به پولس نسبت داده می‌شوند. این مجموعه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. رساله‌هایی که در انتساب آنها به پولس تردیدی نیست، و علاوه بر اینکه کلیسا آنها را به پولس نسبت می‌دهد، دانشمندان کتاب مقدس در انتساب آنها کمتر تردید کرده‌اند. این رساله‌ها هفت عددند: رومیان، دو رساله به قرنتیان، غلاطیان، فیلیپیان، اول تسالونیکیان، فلیمون.^۲
۲. رساله‌هایی که در کتاب مقدس به پولس منسوب‌اند و کلیسا عموماً این انتساب را تأیید کرده، اما دانشمندان کتاب مقدس آن را تأیید نمی‌کنند. این رساله‌ها شش عددند: افسسیان، کولسیان، دوم تسالونیکیان، دو رساله به تیموتائوس، تیطس.^۳
۳. در عهد جدید یک رساله وجود دارد که در انتساب آن به پولس در خود کلیسا اختلاف است؛ و آن رساله به عبرانیان است. محتوای این رساله شباهتهایی با رساله‌های پولس دارد و در گذشته بسیاری از دانشمندان مسیحی آن را به پولس نسبت می‌داده‌اند، اما امروزه کمتر آن را به پولس نسبت می‌دهند و یا انتساب آن را رد می‌کنند.^۴ کلیسای ارتدکس این رساله را به پولس نسبت می‌دهد.^۵

برخی از این رساله‌ها خطاب به افرادی خاص نوشته شده است، که به آنها رساله‌های شبانی گفته می‌شود، که چهار عددند. بقیه رساله‌ها خطاب به کلیساهای شهرهای مختلف نگاشته شده‌اند. رساله‌های پولس بین سالهای ۴۰ - ۶۴ میلادی نوشته شده‌اند، اما ترتیب زمان نگارش آنها در عهد جدید رعایت نشده است. همچنین از آن جا که پولس بیشتر در حال مسافرت بوده است، این رساله‌ها را از شهرهای مختلف فرستاده است. جدول زیر زمان و مکان احتمالی نگارش این رساله‌ها را نشان می‌دهد:^۶

۸۲



۱. تاریخ جامع ادیان، ص ۴۱۴.

۲. تحقیقی در دین مسیح، ص ۳۶؛ و: HBD, P. 100.

۳. همان.

۴. کلید عهد جدید، ص ۲۱۱؛ معرفی عهد جدید، ۲ / ۹۷.

۵. همان.

۶. قاموس کتاب مقدس، ص ۲۳۱ - ۲۳۲؛ قاموس الكتاب المقدس، ص ۱۹۹.

ردیف	نام رساله	زمان نگارش	مکان نگارش
۱	اول تسالونیکان	۵۲ - ۵۳ میلادی	قرنتس
۲	دوم تسالونیکان	۵۲ - ۵۳ میلادی	قرنتس
۳	غلاطیان	۵۶ - ۵۷ میلادی	افسس
۴	اول تیموتائوس	۵۷ میلادی	مقدونیه
۵	اول قرنتیان	۵۷ میلادی	افسس
۶	دوم قرنتیان	۵۷ میلادی	مقدونیه
۷	تطس	۵۷ میلادی	مقدونیه
۸	رومیان	۵۸ میلادی	قرنتس
۹	کولسیان	۶۱ - ۶۳ میلادی	روم
۱۰	امسیان	۶۱ - ۶۳ میلادی	روم
۱۱	فیلیپیان	۶۱ - ۶۳ میلادی	روم
۱۲	فلیمون	۶۱ - ۶۳ میلادی	روم
۱۳	دوم تیموتائوس	۶۴ میلادی	روم
۱۴	عبرانیان (بنابر قول برخی)	۶۴ میلادی	ایتالیا

اناجیل همنوا و کتاب اعمال رسولان

گفته شد که نخستین نوشته‌های عهد جدید رساله‌های پولس هستند، که قبل از سال ۶۴ میلادی نوشته شده‌اند. از سوی دیگر، اصلی‌ترین و مهمترین بخشی که در عهد جدید بیانگر روایت عیسی‌خدايي است، همان رساله‌های پولس‌اند. حال باید ببینیم مهمترین بخشی که به بیان روایت عیسی بشری می‌پردازد، در چه زمانی و به دست چه کسانی نوشته شده است؟ این بخش از سه انجیل متی، مرقس و لوقا تشکیل شده است. کتاب اعمال رسولان به این دلیل به این مجموعه ملحق شده که اولاً از نظر مسیح‌شناسی مانند سه انجیل همنواست؛ ثانیاً از نظر مؤلف و تاریخ نگارش ارتباط نزدیکی با لوقا دارد، به گونه‌ای که در این بحث آنها را نمی‌توان از هم جدا کرد. در این بخش نخست باید روابط این سه انجیل و مشترکات آنها را بیان کنیم، و سپس به بحث درباره هر یک از آنها پردازیم.

الف) مباحث مشترک اناجیل همنوا

۱. زمان نگارش

امروزه بیشتر محققان بر آن اند که هیچ یک از اناجیل همنوا قبل از سال ۶۴ میلادی نگاشته نشده

است؛ هر چند قبلاً گمان می‌رفت که این اناجیل قبل از این زمان نوشته شده‌اند، و حتی گاهی زمان نگارش برخی از آنها را به قبل از سال ۴۰ میلادی برمی‌گردانیدند:^۱

«انجیل مرقس، که در حدود سال ۷۰ میلادی نوشته شده، نخستین انجیل مکتوب عهد جدید است.»^۲

«انجیل نویسی در اواسط دهه ۶۰ میلادی آغاز گشت. در این زمان، ابتدا انجیل مرقس ... و پس از آن متی ... و سپس لوقا ... نوشته شدند. نزدیک به پایان قرن اول، انجیل یوحنا نوشته شد.»^۳

نویسنده‌ای مسیحی به نام دکتر کشیش فهیم عزیز، اقوال موجود درباره‌ی زمان نگارش نخستین انجیل (مرقس) را این گونه دسته‌بندی می‌کند:

۱. پیروان سنت مصری تأکید می‌کنند که این انجیل در اواسط دهه ۴۰ میلادی نگاشته شده است؛
 ۲. س. توری می‌گوید بین سالهای ۳۹ و ۴۰ میلادی نوشته شده است؛
 ۳. هارینگ می‌گوید در دهه ۵۰ میلادی نوشته شده است؛
 ۴. اکثریت دانشمندان معتقدند که بین سالهای ۶۴ تا ۷۰ میلادی نگاشته شده است. دلیل آنها شهادت ایرنئوس^۴ است که می‌گوید مرقس انجیلش را بعد از مرگ پطرس و پولس نگاشت. مضافاً این که اموری در خود این انجیل وجود دارد که گواه این مدعاست.^۵
- جان. بی. ناس می‌گوید که انجیل مرقس قبل از دو انجیل متی و لوقا موجود بود، و در حدود ۶۵ تا ۷۰ میلادی نوشته شده است.^۶

۲. منابع اناجیل همنوا

در میان این سه انجیل، قدیمترین و کوتاهترین آنها انجیل مرقس است، و تقریباً تمام مطالبی که در این انجیل آمده، در دو انجیل دیگر تکرار شده است. از سوی دیگر، مطالبی در دو انجیل متی و لوقا آمده که در انجیل مرقس نیست. در هر کدام از دو انجیل متی و لوقا نیز مطالبی آمده که در دیگری موجود نیست. این مسئله، که به «مشکل اناجیل همنوا»^۷ معروف شده، بحثهای

۱. تفسیر العهد الجديد، ص ۱، ۸۸.

2. ER. ME. VOL. 2. P. 189.

3. NIDB. P. 705.

۴. Irenaeus. از بزرگترین مدافعه نویسان مسیحی پایان قرن دوم و اسقف شهر لیونز.

۵. المدخل الی العهد الجديد، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.

۶. تاریخ جامع ادیان، ص ۵۷۶.

7. The Synoptic Problem.

بسیاری در پی داشته است.^۱ برای حل این مشکل، به تدریج فرضیه‌هایی مطرح می‌شده است؛ نخستین و قدیمترین فرضیه این است که این اناجیل از یک منبع شفاهی استفاده کرده‌اند. درباره زندگی حضرت عیسی یک سنت شفاهی غیرقابل تغییر و جا افتاده وجود داشته است، که این سه انجیل مطالب مشترک خود را از آن گرفته‌اند.^۲

البته این فرضیه تنها می‌تواند برای مطالبی که در هر سه انجیل تکرار شده، منبع پیدا کند. نیز می‌تواند به «فرضیه مرقسی»^۳ کمک کند؛ این فرضیه می‌گوید انجیل مرقس برای دو انجیل متی و لوقا منبع بوده است. از این رو، تقریباً تمام مطالب انجیل مرقس در دو انجیل دیگر تکرار شده است.^۴ چون این سؤال پیش می‌آید که منبع انجیل مرقس چه بوده است؟ بر اساس فرضیه اول می‌توان گفت که این انجیل از منبع شفاهی استفاده کرده است. البته یک سخن در این جا این است که مرقس گفته‌های پطرس را نوشته است. اما مجموع این دو فرضیه هم مشکل را کاملاً حل نمی‌کنند، چون درست است که تمام مطالب انجیل مرقس در دو انجیل دیگر آمده، اما مطالبی در هر دو انجیل آمده که در انجیل مرقس موجود نیست؛ منبع این مطالب چه بوده است؟ در این باره فرضیه سوم مطرح شده است. دانشمندان کتاب مقدس برای مطالب مشترک بین متی و لوقا منبعی فرض کرده‌اند، و به *Q*، که از کلمه آلمانی *Quelle* به معنای منبع گرفته شده، معروف است.^۵ بنابراین، دو انجیل متی و لوقا از دو منبع مشترک استفاده کرده‌اند: یکی انجیل مرقس و دیگری منبع *Q*.

اما باز هم مشکل حل نشده است، چون در هر یک از این دو انجیل مطالبی وجود دارد که در انجیل مرقس و انجیل دیگر نیست، لذا دانشمندان مجبور شده‌اند دو منبع دیگر در نظر بگیرند: یکی منبع *M* و دیگری منبع *L* که به ترتیب، اشاره به مطالب خاص هر یک از اناجیل متی و لوقا دارند.^۶

۳. نویسندگان اناجیل هم‌نوا

در بحث درباره هر یک از اناجیل هم‌نوا درباره نویسندگان آنها هم بحث می‌شود، اما یک نکته وجود دارد که کلی است و خاص هیچ کدام از این سه انجیل نیست. این سه انجیل ستاً به سه شخصیت قرن اول مسیحیت نسبت داده می‌شوند. نام این سه انجیل از همین اشخاص گرفته

1. ODC P. 1315 - 2. and ER. ME Vol 2. P. 189 and NIDB. P. 39.

۲. معرفی عهد جدید، ۱/ ۱۴۸.

3. Marcian Hypothesis.

4. ODC. P. 853.

5. ER. ME. Vol 2. P. 189

6. ODC. P. 859.

شده است. از این سه، یکی متی است، که گفته می‌شود همان متای حواری است؛ دیگری مرقس است، که با یوحنا مرقس، شاگرد پطرس، تطبیق می‌شود؛ سومی لوقا است، که گفته می‌شود همان شاگرد خاص پولس است.

اما نکته این جاست که از هیچ جای این سه انجیل بر نمی‌آید که نویسنده آنها کیست. تنها در عنوان کتاب نام این افراد آمده است. ولی حتی عنوان این اناجیل، و همچنین انجیل یوحنا به گونه‌ای است که انتساب به این افراد را نشان نمی‌دهد. در بیشتر کتابهای موجود، کلمه انجیل به اسم این افراد اضافه شده، و چنین می‌نماید که همین افراد نویسندگان بوده‌اند، اما عهد جدید در اصل به زبان یونانی نوشته شده، و اگر قسمتهایی از آن به غیر زبان یونانی نوشته شده باشد، نسخه اصلی در دسترس نیست، و تنها نسخه یونانی موجود است. در زبان یونانی این عنوان به گونه دیگری است:

چهار انجیل سنتاً به متی، مرقس، لوقا و یوحنا نسبت داده می‌شوند، ولی عنوان اصلی اناجیل نامعلوم است. نام بیشتر کتابهای یونانی صریحاً به نویسنده آنها اضافه می‌شود؛ مثلاً می‌گویند: *ایلیادِ هومر* و *جمهوری افلاطون*. این در حالی است که برای انجیلها حرف اضافه *Kata* (در زبان یونانی به معنای به روایت متی و ...) به کار می‌برند، و گویا بدین شیوه از نسبت دادن آن کتابها به نویسندگان سنتی آنها می‌پرهیزند.^۱

به همین دلیل است که در بسیاری از متون و دایرةالمعارفهای انگلیسی عنوان اناجیل را این گونه قرار می‌دهند: *The Gospel According to Matthew Mark, ...*^۲. و در زبان عربی این عنوان به این صورت به کار رفته است: «الانجیل بحسب متی، مرقس و ...»^۳ شاید بهترین برگردان فارسی این عنوان «انجیل به روایت متی، مرقس و ...» باشد.

ب) مباحث ویژه هر یک از اناجیل همنوا

گفته شد که انجیل مرقس قدیمترین انجیل است، و ترتیب عهد جدید موجود مطابق تاریخ نگارش نیست. ما با ترتیب تاریخ نگارش به این بحث می‌پردازیم.

۱. انجیل به روایت مرقس

عموماً این انجیل را به یوحنا مرقس، دوست و همدم پطرس، که گاهی همسفر پولس نیز بوده است، نسبت می‌دهند. البته از خود انجیل چنین چیزی ثابت نمی‌شود، و حتی برخی احتمال

۱. عیسی؛ اسطوره یا تاریخ، ص ۱۹ - ۲۰.

2. HBD. PP. 583, 605, 613.

۳. ر.ک: المدخل الی الكتاب المقدس، ۴ / ۳۵۶ به بعد.

می دهند که فرد دیگری به همین نام این انجیل را نوشته باشد.^۱ اگر نویسنده همان یوحنا ی مرقس باشد، نام او در عهد جدید آمده، و نام مادرش مریم است. در کتاب اعمال رسولان چنین آمده است که وقتی پطرس دستگیر شد و یک شب را در زندان سپری کرد، حواریون در خانهٔ مریم، مادر یوحنا ی مرقس، برای دعا تجمع کردند. وقتی پطرس آزاد شد، مستقیماً به خانهٔ او آمد.^۲ او بعداً همراه پسر عموی خود، برنابا، که همراه پولس بود، در سفرهای تبلیغی شرکت می کند،^۳ اما در اثنای سفر به دلیل نامعلومی از آن دو جدا می شود و به اورشلیم باز می گردد.^۴ بعدها برنابا از پولس می خواهد که مرقس را نیز همراه خود ببرد، ولی پولس به این دلیل که بار اول آنها را ترک کرده بود، این امر را نمی پذیرد. از این رو، نزاعی سخت بین آنان در گرفت، و کار به جایی رسید که برنابا از پولس جدا شد، و همراه با مرقس مسیر دیگری را در پیش گرفت.^۵ از رسالهٔ اول پطرس برمی آید که مرقس همراه پطرس در روم بوده و از نزدیکان او بوده است: «پسر من، مرقس، به شما سلام می رساند.»^۶

منشأ انجیل مرقس

یوسیبوس (حدود ۲۶۰ - ۴۴۰)، اسقف قیصریه، از قول پاپیاس که بین سالهای ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلادی اسقف شهر هیراپولیس در آسیای صغیر بوده است،^۷ دربارهٔ منشأ انجیل مرقس چنین نقل می کند:

«یوحنا که شیخ کلیسا بود نیز چنین گفته است: مرقس مترجم پطرس بود و هرچه ثبت کرد با دقت بسیار زیاد ثبت نمود. مع هذا، مطالب وی با همان ترتیبی نبود که خداوند ما سخن گفت یا انجام داد، زیرا وی کلام خداوند ما را نشنید و شاگرد او نبود، بلکه همان طوری که قبلاً گفته شد، وی همسفر پطرس بود، و پطرس به او تعالیم لازم را داد، ولی فرمایشات خداوند را به ترتیب تاریخی برای او نقل نکرد. بنابراین، مرقس در هیچ قسمتی اشتباه نکرده، بلکه مطالب را ثبت نموده است، زیرا او در یک قسمت دقت کامل داشته است، و آن این که آنچه شنیده است به درستی ثبت کند و هیچ مطلب نادرست ننویسد.»^۸

1. ER. ME. Vol. 9. P. 208.

۲. اعمال رسولان، ۱۲: ۱-۱۱.

۳. همان، ۱۳: ۵.

۴. همان، ۱۳: ۱۳.

۵. همان، ۱۶: ۳۷-۳۹.

۶. رسالهٔ اول پطرس، ۵: ۱۳.

7. ODC. pp. 473 and 1011.

۸. معرفی عهد جدید، ۱/۱۷۳: المدخل الی الكتاب المقدس، ۴/۴۰۴.

یوسیبوس در قرن چهارم می‌زیسته، و او از پایاس نقل می‌کند، و منبع نقل این دو در دست نیست، لذا برخی احتمال داده‌اند که مرقس خودش مواد انجیل را جمع‌آوری کرده باشد.^۱ اگر این‌گونه باشد، ممکن است باز به همان منبع شفاهی، که قبلاً ذکر شد، بازگردیم.

زمان و مکان نگارش انجیل مرقس

گفته شد که اکثریت دانشمندان این انجیل را قدیمترین انجیل می‌دانند، و به همین مناسبت اختلافاتی که دربارهٔ زمان نگارش این انجیل وجود دارد بیان شد، و گفته شد که اکثر محققان برآنند که این انجیل بین سالهای ۶۵ - ۷۰ میلادی نوشته شده است. دربارهٔ مکان نوشته شدن این کتاب نیز اختلاف است. برخی محل نگارش آن را مصر، و برخی انطاکیه دانسته‌اند، ولی اکثر دانشمندان معتقدند این انجیل در روم نوشته شده است.^۲

۲. انجیل به روایت متی

اعتقاد بر این بوده است که این انجیل، که مفصل‌ترین انجیل است و در ابتدای مجموعهٔ عهد جدید قرار گرفته، قدیمترین انجیل است، و به دست متی حواری، نوشته شده است. همچنین بر این باور بوده‌اند که این انجیل در اصل به زبان عبری نوشته شده، و بعد به یونانی ترجمه شده است؛ هرچند اصل عبری آن موجود نیست.^۳ اما با آغاز نقادی عصر جدید، همهٔ این عقاید زیر سؤال رفته است.

تاریخ نگارش انجیل متی

برخی تاریخ نگارش این انجیل را به اوایل دههٔ ۴۰ برگردانیده‌اند،^۴ اما از خود انجیل برمی‌آید که زمان نگارش آن باید بسیار دیرتر از این تاریخ باشد. در این انجیل آمده است که هنگامی که یهودای اسخریوطی عیسی را تسلیم کرد، از سران یهود سی پاره نقره دریافت کرد. اما یهودا به زودی پشیمان شد و پاره‌های نقره را در معبد انداخت. رؤسای کهنه این نقره‌ها را برداشتند و با آن مزرعه‌ای برای مقبرهٔ غریبان خریدند. چون نقره به منزلهٔ خونبها بوده است، نام این مزرعه را «حق‌الدم» گذاشتند. سپس می‌گوید: «از آن جهت، این مزرعه تا امروز به حَقْلُ الدَّم مشهور است.»^۵



1. ODC. p. 859.

۲. تفسیر کتاب المقدس، جماعة من اللاهوتیین، ۹۱/۵؛ المدخل الی العهد الجدید، ص ۲۲۱.

3. ODC. p. 874.

۴. المدخل الی العهد الجدید، ص ۲۴۷.

۵. متی، ۲۷: ۳ - ۸.

فراموش شدن نام یک محل زمانی نسبتاً طولانی را می‌طلبد، لذا تأکید بر روی کلمه «تا امروز»، نشان می‌دهد که تاریخ نگارش این انجیل حداقل چند دهه پس از ماجرای صلیب بوده است.

از سوی دیگر، امروزه تقریباً مسلم است که انجیل متی پس از انجیل مرقس نوشته شده. به این دلیل که تمام مطالب مرقس در این انجیل آمده است. بنابراین، متی از مرقس استفاده کرده است. چنان که گفتیم، امروزه اکثریت دانشمندان بر این باورند که انجیل مرقس بین سالهای ۶۵-۷۰ میلادی نوشته شده است. پس تاریخ نگارش انجیل متی نمی‌تواند قبل از این تاریخ باشد. نویسنده مسیحی، دکتر کشیش فهیم عزیز، پس از نقل اقوالی درباره تاریخ نگارش این انجیل می‌گوید:

پس ممکن است مانند اکثریت دانشمندان قائل شویم که این انجیل بعد از سال

۷۰ میلادی، و چه بسا بین سالهای ۷۵-۸۰ میلادی، نوشته شده است.^۱

برخی دیگر، تاریخ نگارش را اندکی پس از سال ۷۰ میلادی و تخریب اورشلیم می‌دانند.^۲ همچنین برخی سال ۹۰ میلادی را محتمل می‌دانند.^۳ با این حال، گروهی با استناد به این که این انجیل سقوط شهر اورشلیم در سال ۷۰ میلادی را پیشگویی کرده،^۴ ولی اشاره‌ای به وقوع این پیشگویی نکرده، احتمال قویتر را این می‌دانند که اندکی قبل از سال ۷۰ میلادی نگاشته شده باشد.^۵

نویسنده انجیل متی

به گفته اناجیل، حضرت عیسی فردی را که برای رومیان مالیات می‌گرفت دعوت می‌کند، و او می‌پذیرد.^۶ نام این فرد در انجیل متی، متی است، و در دو انجیل دیگر «لاوی». از سوی دیگر، نام متای باجگیر در عهد جدید در فهرست حواریون قرار دارد.^۷

کلیسا از اوایل قرن دوم تا آغاز مطالعات نقادانه جدید، معتقد بوده است همین متای باجگیر، که نام دیگرش لاوی، و از حواریون بوده است، انجیل منسوب به متی را نگاشته است.^۸ این امر به دو دلیل بوده است: یکی این که عنوان این کتاب (انجیل به روایت متی) انتساب به

۱. المدخل الى العهد الجديد، ص ۲۴۸.

2. ER, ME. Vol. 9.p. 285.

۳. المدخل الى الكتاب المقدس، الجزء الرابع، ص ۳۵۶؛ و: HBD. P. 613.

۴. متی، ۲۸:۱-۴۴.

۵. معرفتی عهد جدید، ۱/۱۵۸؛ و: NIDB, p.631.

۶. متی، ۹:۹؛ مرقس، ۲:۱۴؛ لوقا، ۵:۲۷-۲۸.

۷. متی، ۱۰:۴؛ مرقس، ۳:۱۸؛ لوقا، ۶:۱۵؛ اعمال رسولان، ۱:۱۳.

۸. همان.

او را می‌رساند. البته در خودِ متن هیچ دلیلی بر این انتساب وجود ندارد، اما از اوایل قرن دوم این عنوان بوده است؛^۱ دلیل دوم شهادت پاپیاس است. یوسیوس در اوایل قرن چهارم از پاپیاس در اوایل قرن دوم نقل می‌کند که متی انجیل خود را به زبان عبری نگاشت، و هر کس به اندازهٔ توان خود این انجیل را ترجمه کرد.^۲

با این حال، محققان جدید این دو دلیل را کافی ندانسته، و انتساب این انجیل را به متای حواری مورد تردید قرار داده، بلکه رد کرده‌اند. آنها می‌گویند گفتهٔ پاپیاس بر انجیل موجود منطبق نمی‌شود، چون او می‌گوید متی انجیلش را به زبان عبری نگاشت؛ در حالی که لغت‌شناسان می‌گویند این انجیل موجود باید در اصل به زبان یونانی نوشته شده باشد.^۳ نکتهٔ دیگر این است که متای حواری خود شاهد حوادث زندگی حضرت عیسی بوده است؛ در حالی که انجیل موجود مطالب انجیل مرقس را، که خود از حواریون نبوده، به‌طور کامل نقل کرده است؛ و این نمی‌تواند قابل قبول باشد.^۴ علاوه بر این، زبان مادری متای حواری آرامی بوده است؛ در حالی که انجیل مرقس به زبان یونانی نوشته شده و متی نمی‌توانسته از آن استفاده کند.^۵

با توجه به آنچه گفته شد، بسیاری بر این باورند که انجیل موجود را فرد دیگری که ناشناخته است و شاید نام او متی بوده، نوشته است.^۶ دست‌کم در این که بتوان این انجیل را به متای حواری نسبت داد تردید وجود دارد.^۷ البته هنوز هم برخی این انجیل را به صورت قطعی به متای حواری نسبت می‌دهند، و می‌گویند: از آن‌جا که متی در میان حواریون چندان مهم نبوده، انگیزه‌ای وجود نداشته که کسی انجیل بنویسد و به او نسبت دهد.^۸ ولی این دلیل چندان محکم به نظر نمی‌رسد، چون اولاً اشتباه در استناد حتماً نباید عمدی باشد؛ ثانیاً انتساب به افراد ناشناخته‌تر زودتر پذیرفته می‌شود.

مکان نگارش انجیل متی و زبان اصلی آن

برخی می‌گویند این انجیل برای اهالی فلسطین نگاشته شده است،^۹ ولی بیشتر مکان نگارش

۱. المدخل الی العهد الجديد، ص ۲۴۲.

2. WB. p. 452; and ER. ME. vol.9. p.285.

۳. المدخل الی العهد الجديد، ص ۲۴۳.

۴. همان؛ و: ER. ME. Vol.9. p.285.

۵. همان.

6. HBD. p. 613.

۷. المدخل الی العهد الجديد، ص ۲۴۵.

۸. معرفی عهد جدید، ۱/ص ۱۵۸.

۹. تغییر العهد الجديد، ص ۱.

این انجیل را انطاکیه و برای اهالی آن دیار می‌دانند.^۱ با توجه به مطالبی که در انجیل آمده، گفته می‌شود که مخاطب این انجیل مسیحیان یهودی الاصل بوده‌اند.^۲ در گذشته عقیده بر این بود که این انجیل در اصل به زبان عبری نگاشته شده، و بعداً به زبان یونانی ترجمه شده است.^۳ دلیل اصلی این اعتقاد همان شهادت پاپیاس است، که نقل شد. اما، همانطور که گذشت، لغت‌شناسان می‌گویند کتاب موجود باید در اصل به زبان یونانی نگاشته شده باشد.

۳. انجیل به روایت لوقا و کتاب اعمال رسولان

قبل از ورود به بحث دربارهٔ مؤلف و تاریخ نگارش این دو کتاب، باید بیان کنیم که چه ارتباطی بین این دو کتاب وجود دارد که باعث شده تحت یک عنوان به بحث دربارهٔ آنها پردازیم. بدین منظور، دو نکته را یادآور می‌شویم:

۱. ابتدای این دو کتاب به گونه‌ای است که ظن بسیار قوی ایجاد می‌کند که نویسنده‌شان باید یک نفر باشد. در ابتدای انجیل لوقا چنین آمده است:

از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به سوی تألیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید؛ چنان که آنانی که از ابتدا نظرانگاران و خادمان کلام بودند، به ما رسانیدند. من نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایه به تدقیق در پی رفته به تو بنویسم ای تیوفلس عزیز!^۴

کتاب اعمال رسولان این‌گونه آغاز می‌شود:

صحیفهٔ اول را انشا نمودم این تیوفلس! دربارهٔ همهٔ اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد. تا آن روزی که رسولان برگزیدهٔ خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد، که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود خویشان را زنده ظاهر کرد، به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز برایشان ظاهر می‌شد...^۵

از این دو فقره برمی‌آید که این دو کتاب برای یک فرد، یعنی تیوفلس، نوشته شده است. نویسنده در فقرهٔ دوم می‌گوید تا پایان زندگی عیسی قبلاً به تو نوشتم. این دقیقاً همان انجیل سوم است، و در نوشتهٔ دوم به زندگی و فعالیت‌های رسولان می‌پردازد. بنابراین، ظاهر این دو

۱. معرفی عهد جدید، ۱۵۹/۱؛ و: NIDB. p.631.

۲. معرفی عهد جدید، ۱۵۹/۱.

۳. تفسیر العهد الجديد، ص ۱.

۴. لوقا، ۱: ۱-۳.

۵. اعمال رسولان، ۱: ۱-۳.

فقره نشان می‌دهد که نویسنده این دو کتاب یکی است. همسویی الهیات و سبک نگارش و ادبیات این دو کتاب نیز مؤید این مطلب است.^۱ دانشمندان جدید هم یکی بودن مؤلف این دو کتاب را تقریباً یقینی انگاشته‌اند، و از این نظر، با سنت هماهنگ هستند.^۲

۲. در انجیل منسوب به لوقا هیچ اشاره‌ای به نویسنده آن نشده است، اما کتاب اعمال رسولان سرنخهایی درباره نویسنده‌اش به دست می‌دهد. در این کتاب، که قسمت عمده‌اش به مسافرت‌های تبلیغی پولس اختصاص دارد، گاهی نویسنده ماجراهای پولس را با ضمیر سوم شخص دنبال می‌کند و گاهی با ضمیر اول شخص جمع. این امر نشان می‌دهد که نویسنده کتاب در برخی از سفرها همراه پولس بوده است. از سوی دیگر، پولس در رساله‌هایش گهگاه از همراهانش نام می‌برد. حال آیا از مقایسه نامهایی که در جاهای مختلف این رساله‌ها آمده، و جاهایی از کتاب اعمال رسولان که در آنها ضمیر اول شخص به کار رفته است، می‌توان نویسنده کتاب اعمال، و در نتیجه انجیل سوم را مشخص کرد؟

نویسنده انجیل سوم و کتاب اعمال رسولان

ابتدای انجیل سوم، اطلاعاتی درباره نویسنده این کتاب به ما می‌دهد. خود نویسنده می‌گوید مطالب من بر اساس گفته‌های شاهدان عینی است، و «آنان که از اول نظارگان و خادمان کلام بودند، به ما رسانیدند.» بنابراین، نویسنده از حواریون نبوده است. نویسنده می‌گوید درباره همه این امور تحقیق می‌کنم و با دقت و ترتیب می‌نویسم. پس نویسنده فردی تحصیل کرده بوده است. همچنین از سبک نگارش و ادبیات این دو کتاب به دست می‌آید که او انسانی آشنا با زبان و فرهنگ یونانی بوده است.^۳

سنت این انجیل را به لوقا، یار و همراه پولس، نسبت می‌دهند. این امر ریشه در شهادت ایرنئوس در پایان قرن دوم دارد. او در کتاب *Against Heresies* می‌گوید انجیل سوم را لوقا، آن‌گونه که پولس تبلیغ می‌کرد، نوشت.^۴

در عهد جدید سه یا چهاربار از لوقا نام برده شده است، و همه این موارد در رساله‌های پولس واقع شده‌اند. «و لوقای طبیعت، حبیب و دیماس به شما سلام می‌رسانند»؛^۵ «لوقا تنها با من است»؛^۶ «... و لوقا، همکاران من، تو را سلام می‌رسانند».^۷ مورد چهارم، که در انطباق آن بر

1 . ER. ME. vol.9. p.51; and HBD. p.582.

۲. همان، ص ۵۸۳.

3 . NIDB. P. 604.

4 . ER. ME. Vol.9. P.51.

۵. رساله پولس به کورسیان، ۴:۱۴.

۶. رساله دوم پولس به تیموتائوس، ۴:۱۱.



لوقا تردید است، این گونه است: «... ولوسیوس (Lusius) و...، که خویشان من اند، به شما سلام می‌رسانند.»^۸ علت تردید این است که معادل لاتین لوقا، Luke است، که برگردان اسم یونانی Loukas است. احتمالاً واژه‌های Loukios و Lusius تغییر شکل‌های همین کلمه باشند. چون همین تعبیر اخیر در این آیه آمده، احتمال داده شده که همان «لوقا» مقصود باشد.^۹ البته در ترجمه معروف فارسی به «لوقا» برگردان شده است.

از این موارد برمی‌آید که لوقا نزدیکترین دوست پولس بوده است. او احتمالاً در انطاکیه و بر اثر تبلیغ پولس ایمان آورد و دوست و همراه وی گردید.^{۱۰} دانشمندان از تطبیق مواردی که پولس از لوقا نام برده با مواردی که در کتاب اعمال رسولان ضمیر اول شخص به کار رفته، و نیز با استفاده از خصوصاتی که از ابتدای این دو کتاب و شیوه نگارش آنها به دست می‌آید، حدس قوی می‌زنند که نگارنده کتاب همان «لوقا» باشد.^{۱۱}

تعداد زیادی از دانشمندان جدید هم این استناد را پذیرفته‌اند و این شواهد را کافی دانسته‌اند، اما برخی دیگر یک اشکال جدی را مطرح کرده‌اند: اگر لوقا شاگرد خاص پولس است و همه جا همراه پولس بوده و حتی به گفته ایرنئوس انجیل او همان چیزهایی است که پولس تبلیغ می‌کرده است، پس چرا الهیات این دو کتاب با الهیات پولسی تباین کلی دارد؟^{۱۲} الهیات پولسی عیسی خدایی است؛ در حالی که الهیات این دو کتاب عیسی بشری است. بنابراین، برای نویسنده این دو کتاب شواهد بیشتری نسبت به دو انجیل قبل وجود دارد، ولی خالی از اشکال و تردید نیست.

زمان و مکان نگارش انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان

درباره زمان نگارش این دو کتاب، آغاز خود آنها دو نکته را آشکار می‌کند: یکی این که کتاب اعمال رسولان حتماً بعد از انجیل لوقا نوشته شده است، چون نویسنده در ابتدای آن به نوشته اول خود، یعنی انجیل سوم، اشاره می‌کند: «صحیفه اول را انشا نمودم ای تیوفلس!»^{۱۳} نکته دیگر این است که در ابتدای انجیل لوقا آمده است که «از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به سوی تألیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید... من نیز مصلحت چنان

۷. رساله پولس به فیلمون: ۲۴.

۸. رساله پولس به رومیان، ۲۱:۱۶.

۱۰. معرفی عهد جدید، ۱۹۱/۱.

۱۱. همان، ص ۱۸۹-۱۹۲؛ المدخل الی العهد الجدید، ص ۲۷۲-۲۷۵.

9. HBD, P.582.

12. HBD, p.583.

13. NIDB, p.105.

دیدم که همه را... به تو بنویسم ای تیوفلس!» بنابراین، او در زمانی انجیل خود را می‌نوشته که قبل از او عده زیادی دست به چنین کاری زده بوده‌اند. و گفته شد که امروزه غالب محققان معتقدند انجیل نویسی در اواسط دهه ۶۰ میلادی آغاز گشت. پس تاریخ نگارش این انجیل نمی‌تواند قبل از سال ۷۰ میلادی باشد.

از سوی دیگر، در بحث اناجیل هم‌نوا گفته شد که چون همه مطالب انجیل مرقس در این انجیل تکرار شده، پس انجیل مرقس منبعی برای انجیل لوقا بوده است؛ و در بحث انجیل مرقس گذشت که غالب محققان تاریخ نگارش این انجیل را بین سالهای ۶۵-۷۰ میلادی می‌دانند. پس انجیل لوقا باید بعد از سال ۷۰ میلادی نگاشته شده باشد.

برخی از محققان می‌گویند از بین سه انجیل هم‌نوا، انجیل لوقا از نظر تاریخ نگارش آخرین است.^۱ برخی دیگر بر این عقیده‌اند که انجیل لوقا تنها از انجیل متی استفاده کرده است.^۲ همه این شواهد نشان دهنده آن است که این انجیل نمی‌تواند قبل از انجیل متی نوشته شده باشد. قبلاً نیز گفته شد که برخی تاریخ نگارش انجیل متی را تا حدود سال ۹۰ میلادی احتمال می‌دهند، ولی غالباً اندکی قبل یا بعد از سال ۷۰ میلادی را قویتر می‌دانند.

بنابراین، تاریخ نگارش دو کتاب انجیل لوقا و اعمال رسولان در زمانی بین سالهای ۷۰-۹۰ است، که ۸۰ تا ۸۵ معمولتر است.^۳ البته برخی تاریخ نگارش این انجیل را تا حدود ۱۰۰ میلادی هم احتمال داده‌اند.^۴ با این همه، برخی قبل از سال ۶۴ میلادی را محتمل می‌دانند، و دلیل آنها این است که کتاب اعمال رسولان، که بیشتر به سفرها و فعالیت‌های پولس می‌پردازد، ماجرای پولس را به پایان نبرده، و در حدود سال ۶۲ میلادی ختم کرده است. بنابراین، کتاب اعمال نمی‌تواند خیلی دیرتر از این تاریخ نوشته شده باشد، و انجیل لوقا هم قبل از اعمال نوشته شده است. پس تاریخ نگارش آن جلوتر از این تاریخ است.^۵

علت ناتمام ماندن ماجرای پولس در کتاب اعمال رسولان معلوم نیست. البته این نمی‌تواند دلیل محکمی برای نشان دادن تاریخ نگارش این کتاب باشد و با ادله فراوان محققان مقابله کند. از خود این دو کتاب چیزی درباره مکان نگارش آنها به دست نمی‌آید. در این باره شهرهای زیادی نام برده شده است که هیچ‌کدام دلیل قطعی ندارند.^۶

۱. همان، ص ۶۰۵-۷۰۵.

2. HDB. p.583.

۳. همان.

4. ODC. p.829.

۵. معرفی عهد جدید، ۱۹۳/۱-۱۹۴.

۶. همان.



نوشته‌های منسوب به یوحنا

بررسی مؤلف یا مؤلفان و نیز تاریخ نگارش نوشته‌های منسوب به یوحنا از این جهت اهمیت دارد که غیر از رساله‌های پولس، تنها نوشته‌هایی در عهد جدید هستند که الهیات و مسیح‌شناسی عیسی‌خدایی را ترویج می‌کنند. بنابراین، نوشته‌های عیسی‌خدایی عهد جدید به دو نفر منسوب‌اند: پولس و یوحنا. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا این دو دسته نوشته دو منشأ جدا داشته‌اند یا این که یکی از آنها تحت تأثیر دیگری بوده است؟ در عهد جدید، انجیل چهارم، سه رساله و کتاب مکاشفه به یوحنا منسوب‌اند، که اینک به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) انجیل به روایت یوحنا

انجیل چهارم با سه انجیل دیگر بسیار متفاوت است. علاوه بر این که تنها انجیلی است که الهیات عیسی‌خدایی را ترویج می‌کند، از نظر سبک نگارش و ترکیب و مطالب با انجیل دیگر بسیار متفاوت است. در این انجیل مثل وجود ندارد؛ در حالی که به گفته سه انجیل دیگر، حضرت عیسی بسیاری از مطالب را در قالب مثل بیان می‌کرده است. تعداد اندکی معجزه، یعنی هفت عدد، در آن نقل شده، که پنج عدد آنها در انجیل دیگر موجود نیست. نیز سخنان و مروادات حضرت عیسی در این انجیل با سه انجیل دیگر متفاوت است.^۱ از این رو، تحقیق درباره وثاقت این انجیل از نظر نویسنده، منبعی که از آن استفاده کرده، و تاریخ نگارش آن، اهمیت ویژه‌ای یافته است.

تاریخ نگارش انجیل یوحنا

چه در سنت مسیحی و چه در میان محققان امروزی، کمتر کسی در این مطلب شک کرده است که در میان چهار انجیل موجود در مجموعه عهد جدید، انجیل یوحنا از نظر تاریخی آخرین است.^۲ اما این که این انجیل در چه زمانی نوشته شده، بیش از سه انجیل دیگر مورد اختلاف واقع شده است؛ به گونه‌ای که از قبل از سال ۷۰ میلادی تا نیمه دوم قرن دوم احتمال داده شده است؛ اما اکثریت دانشمندان نه قدمت سال ۷۰ میلادی را قبول دارند و نه تأخر آن را تا نیمه دوم قرن دوم.^۳ هرچه از نیمه دوم قرن دوم به عقب برگردیم، تعداد قائلان به آن تاریخ بیشتر می‌شود؛ مثلاً تعداد قابل توجهی معتقدند که در نیمه اول قرن دوم نگاشته شده است.^۴ همچنین

۱. همان، ص ۲۰۵، و: ODC. p.731.

۲. HBD. p.499.

۳. المدخل الی العهد الجديد، ص ۵۶۰.

۴. NIDB. p.400.

هرچه از سال ۷۰ میلادی به جلو بیایم، باز تعداد قائلان به آن افزایش می‌یابد؛^۱ و ظاهراً این دو در حدود پایان قرن اول به هم می‌رسند. بنابراین، قویترین قول این است که این کتاب در حدود پایان قرن اول نگاشته شده است،^۲ و شاید بهترین فاصله زمانی نگارش این کتاب بین سالهای ۹۰ تا ۱۱۵ میلادی باشد.^۳ سنت مسیحی هم به همین تاریخ، یعنی پایان قرن اول، مایل بوده است.^۴ بنابراین، آنچه توماس میشل درباره نظر دانشمندان مسیحی درباره تاریخ نگارش این انجیل گفته است، صحیح به نظر نمی‌رسد:

اما دانشمندان در مورد تاریخ نگارش آن [انجیل یوحنا] اختلاف دارند، و سالهایی که حدس زده شده، از ۶۵ تا ۹۰ را شامل می‌شود، که البته تاریخ اول (یعنی سال ۶۵) را ترجیح داده‌اند.^۵

چنان که گفته شد، کسانی که تاریخ نگارش این انجیل را به قبل از سال ۷۰ میلادی برگردانیده‌اند، بسیار نادرند.

نویسنده انجیل یوحنا

چه کسی انجیل یوحنا را نوشته است؟ نویسنده‌ای مسیحی به نام کشیش دکتر فهیم عزیز، به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد:

این سؤال مشکل است، و جواب به آن بررسی و تحقیق گسترده‌ای را می‌طلبد، و غالباً به این عبارت ختم می‌شود که غیر از خدای یگانه هیچ‌کس نمی‌داند چه کسی این انجیل را نوشته است.^۶

از پایان قرن دوم میلادی به بعد، اعتقاد غالب در کلیسای مسیحی این بوده است که این انجیل به دست یوحنا، پسر زبدي، که یکی از حواریون بوده، نوشته شده است؛^۷ تا این که این اعتقاد در قرن نوزدهم زیر سؤال رفته است.^۸

یوحنا، پسر زبدي، از حواریون است، و نام او همه جای عهد جدید همراه نام حواریون آمده است. او از اولین کسانی است که به حضرت عیسی ایمان آورده است. او با برادرش

۱. معرفی عهد جدید، ۲۰۹/۱.

2. HBD. p. 499.

۳. المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۶۱.

4. NIDB. p.534.

۵. کلام مسیحی، ص ۴۸.

۶. المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۴۶.

7. HBD. p.498 and NIDB. p.534.

۸. المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۴۶.

یعقوب، همراه پدرشان زبدی، مشغول تعمیر تور ماهیگیری خود بودند که حضرت عیسی آن دو برادر را دعوت کرد و آنها در پی آن حضرت رفتند.^۱ پس از این او از حواریون می‌گردد. اعتقاد کلیسای این بوده است که یوحنا یوحنا حواری مدت طولانی زیست و در اواخر عمر در افسس در آسیای صغیر می‌زیسته و نزدیک به پایان عمرش انجیل چهارم را در این شهر نوشته است.^۲ برای اثبات این قول عمدتاً دو شاهد اقامه شده است: یکی از درون خود کتاب و دیگر از خارج آن و شهادت دیگران. از برخی قسمتهای این کتاب حدس زده می‌شود که این انجیل باید به دست یکی از همراهان حضرت عیسی نوشته شده باشد. اما عمده این موارد حدسی است. تنها باب آخر انجیل یوحنا علایمی درباره نویسنده به دست می‌دهد که بسیار مفیدند. در این باب از شاگردی سخن رفته است که عیسی به او محبت می‌نمود.^۳ در همین باب می‌گوید: همین شاگرد محبوب بود که هنگام شام آخر بر سینه حضرت عیسی تکیه زده بود.^۴ در پایان هم می‌گوید: «و این شاگردی است که به این چیزها شهادت داد و اینها را نوشت.»^۵

با بررسی خود انجیل یوحنا و انجیل دیگر به دست آورده‌اند که این شاگرد محبوب - که احتمالاً بسیار جوان یا حتی کودک بوده است که در هنگام شام آخر به سینه حضرت عیسی تکیه داده - همان یوحنا پسر زبدی بوده است. اما مشکل این است که بسیاری معتقدند باب آخر بعداً و به دست شخص دیگری نوشته شده است؛^۶ و اگر این باب حذف شود، از درون خود کتاب نمی‌توان شاهد محکمی برای تعیین نویسنده آن پیدا کرد.

دلیل دیگر شهادتی است که ایرنئوس در حدود سال ۱۸۰ میلادی از پلیکارپ - که اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم می‌زیسته و شاگرد یوحنا یوحنا حواری بوده است - نقل می‌کند؛ و آن شهادت این است که یوحنا حواری نویسنده انجیل سوم است.^۷ دانشمندان این دلیل را هم رد می‌کنند و می‌گویند به شهادت ایرنئوس نمی‌توان اعتماد کرد، چون قبل از او و در اواسط قرن دوم ژوستین شهید از یوحنا یوحنا رسول سخن می‌گوید و درباره او مطالبی می‌نویسد، اما هیچ‌یک از انجیل او نمی‌کند؛ در حالی که کتاب مکاشفه را به او نسبت می‌دهد. پس نویسنده انجیل چهارم فردی غیر از یوحنا یوحنا رسول است.^۸

۱. متی، ۲۱:۴.

۲. قاموس الكتاب المقدس، ص ۱۱۰۹؛ معرفی عهد جدید، ۲۰۷/۱، ۲۰۹.

۳. یوحنا، ۲۱:۷.

۴. همان، ۲۱:۲۰.

۵. همان، ۲۱:۲۴.

۶. عیسی؛ اسطوره یا تاریخ، ص ۲۷.

۷. المدخل الی العهد جدید، ص ۵۴۷.

۸. همان، ص ۵۵۱.

یوسیپوس که در اوایل قرن چهارم می‌زیسته، از پاپیاس - که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم می‌زیسته - نقل می‌کند که در این زمان یوحنا ی دیگر که به «پیر» معروف بوده، در افسس زندگی می‌کرده است. عده‌ای از محققان جدید می‌گویند که در واقع یک یوحنا در افسس می‌زیسته، که همین یوحنا ی پیر بوده، و او انجیل چهارم را نوشته است، و بعداً با یوحنا ی رسول مشتبه شده است.^۱

دلیل دیگری که برای رد انتساب این انجیل به یوحنا ی حواری آورده می‌شود، این است که اگر یوحنا ی حواری نویسنده این انجیل است، پس چرا این اندازه با سه انجیل دیگر متفاوت است؟ آیا می‌توان گفت که دو نفر که شاهد یک ماجرا بوده‌اند و معتبر هم هستند، این اندازه متفاوت نقل می‌کنند؟^۲

دلیل دیگر این است که انجیل چهارم پُر از مضامین فلسفی و یونانی است؛ و به گفته کتاب اعمال رسولان (۴:۱۳)، یوحنا فردی عامی و بی‌سواد بوده است. بنابراین، او نمی‌تواند نویسنده این انجیل باشد.^۳

این ادله باعث شده است که اکثر مفسران کتاب مقدس نسبت این انجیل را به یوحنا نپذیرند.^۴ بنابراین، بهتر است مانند فهیم عزیز بگوییم تنها خدا می‌داند چه کسی انجیل چهارم را نوشته است.

منشأ انجیل یوحنا

از آنچه گذشت، معلوم گردید که انجیل چهارم به دست فردی نامشخص، در حدود پایان قرن اول، نگاشته شده است. بنابراین، به احتمال قوی انجیل دیگر، که احتمالاً چند دهه زودتر نوشته شده‌اند، در اختیار نویسنده بوده است. از این گذشته، حتماً رساله‌های پولس، که از نیم قرن جلوتر در کلیساها خوانده می‌شده‌اند، در اختیار او بوده‌اند.^۵

اما این کتاب با دیگر انجیل و حتی رساله‌های پولس متفاوت است، چون عناصر بسیاری از فلسفه یونان در آن مشهود است. از این رو، ویل دورانت می‌گوید: «انجیل چهارم از فلسفه یونان مایه گرفته است.» نیز می‌گوید: «با در نظر داشتن همه آنچه گفته شد، اگر یک‌بار دیگر مقدمه انجیل چهارم را بخوانیم و به جای واژه «کلمه»، که ترجمه لوگوس یونانی است، خود



1 . ODC. p. 731.

۲ . همان.

۳ . المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۵۰.

۴ . تفسیر الكتاب المقدس، ۲۲۹/۵.

۵ . المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۶۳.

لوگوس را بگذاریم، فوراً درمی یابیم که نویسنده به فیلسوفان پیوسته است.^۱ با این حال، این انجیل با رساله های پولس، از جهت الهیات و مسیح شناسی، درست مانند هم هستند، و هر دو از مسیح شناسی عیسی خدایی پیروی می کنند. بنابراین، با توجه به این که مسیح شناسی عیسی خدایی به پولس منسوب است و رساله های پولس حدود نیم قرن پیشتر نوشته شده اند، طبیعی است که مانند بسیاری دیگر بگویم نویسنده انجیل چهارم، الهیات و مسیح شناسی پولسی را گرفته است، ولی آن را در قالب خاصی ریخته است. همان طور که فیلون اسکندرانی یهودیت را به گونه ای بیان می کرد که برای یونانیان قابل فهم باشد، نویسنده انجیل چهارم نیز مسیحیت را طوری بیان می کند که برای یونانیان قابل فهم باشد.^۲ بنابراین، او اصطلاحات و قالبها را از فلسفه یونان می گیرد و الهیات پولسی را در آن می ریزد.

ب) رساله های یوحنا

در عهد جدید سه رساله به یوحنا منسوب است: رساله نخست خطاب به فردی خاص نیست و عمومی است. رساله دوم خطاب به خاتون برگزیده و فرزندانش است، که گاهی گفته می شود مقصود از خاتون برگزیده، همان کلیساست.^۳ رساله سوم به فردی به نام «غائس» نوشته شده، که شبان یا پیشوای کلیسا بوده است.^۴ رساله دوم و سوم بسیار کوتاه هستند و بیشتر به مسائل روزمره کلیسا پرداخته اند، اما رساله اول نسبتاً طولانی است و بیشتر مسائل عقیدتی را دربرمی گیرد. این رساله از نظر محتوا همان مطالب انجیل چهارم را دنبال می کند، و هر دو یک الهیات را ترویج می کنند.^۵

اعتقاد کلیسای مسیحی بر این بوده است که این سه رساله را همان نویسنده انجیل چهارم، یعنی یوحنا پسر زبدی، نوشته است.^۶ از سوی دیگر، سبک نگارش این سه رساله به گونه ای است که بسیاری از محققان برآن اند که نویسنده آنها باید همان نویسنده انجیل چهارم باشد.^۷ بنابراین، محققان جدید این رساله ها را هم به یوحنا پیر، نه یوحنا حواری، نسبت می دهند. البته اگر ثابت شود که این سه رساله و انجیل چهارم را یک نفر نوشته است، در رساله های دوم و سوم، شواهدی ظنی وجود دارد که نویسنده یوحنا پیر بوده است؛ از جمله این که هر دو رساله

۱. تاریخ تمدن، ۳/۶۹۵-۶۹۶.

۲. همان، ص ۶۹۶ المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۷۰.

۳. معرفی عهد جدید، ۲/۱۱۴.

۴. همان، ص ۱۱۵.

5 . ODC. p. 130.

6 . HBD. p. 499.

7 . NIDB. pp.536-537.

با این عبارت آغاز می‌شود: «من که پیرم...»^۱ این تعبیر نشان می‌دهد که نویسنده با عنوان «پیر» معروف بوده است.

یوسیپوس از پایاس نقل می‌کند که در آن زمان در آفسس دو نفر به نام یوحنا می‌زیسته‌اند: یکی یوحنا حواری، و دیگری یوحنا پیر. محققان جدید می‌گویند در واقع یک یوحنا در آفسس می‌زیسته، که همان یوحنا پیر بوده است، و بعداً با یوحنا حواری مشتبه شده است. در صورتی که این تحلیل درست باشد، باید بگوییم اگر رساله دوم و سوم یوحنا را همان کسی نگاشته که انجیل چهارم و رساله اول را، پس گفته محققان جدید درباره هر چهار کتاب تقویت می‌شود، چون کلمه «پیر» ظاهر در این است که او معروف به این نام بوده است. سنت مسیحی زمان و مکان نگارش این رساله‌ها را اواخر عمر یوحنا، یعنی پایان قرن اول، و در شهر آفسس می‌داند. اما مشخص نیست که این رساله‌ها زودتر نوشته شده‌اند یا اناجیل.^۱

ج) مکاشفه یوحنا

این کتاب از یک مکاشفه سخن می‌گوید و مسائل آخر الزمان را پیشگویی می‌کند؛ و از این جهت، با بقیه قسمتهای عهد جدید متفاوت است. پس بحث درباره تاریخ و مکان نگارش این کتاب و نویسنده آن اهمیت کمتری دارد. درباره نویسنده این کتاب از قدیم اختلاف بوده است، و اکثر دانشمندان نویسنده این کتاب را غیر از نویسنده انجیل چهارم و سه رساله یوحنا می‌دانسته‌اند.^۲

درباره نویسنده این کتاب چند نکته را باید در نظر گرفت: ۱. خود کتاب می‌گوید نام نویسنده یوحناست؛^۳ ۲. اندیشه‌ها و طرز تفکر نویسنده یا نویسنده انجیل چهارم بسیار متفاوت است؛ به گونه‌ای که ویل دورانت می‌گوید: «باور نکردنی است که انجیل چهارم و کتاب مکاشفه اثر یک فرد باشد. کتاب مکاشفه از شعر یهود، و انجیل چهارم از فلسفه یونان مایه گرفته است»؛^۴ ۳. این کتاب، برخلاف انجیل چهارم، با ادبیات یونانی بسیار ضعیف نوشته شده است؛ ۴. از نظر زمان نگارش، بسیار زودتر از انجیل چهارم نوشته شده است، و بسیاری تاریخ نگارش آن را به زمان فشار و شکنجه نرون در سال ۶۵ میلادی برمی‌گردانند.^۵

یوحنا حواری یک فرد عامی و غیرعالم است، که در فرهنگ یهودی رشد کرده است.^۶



1. NIDB. p.536.

۲. المدخل الى العهد الجديد، ص ۵۷۵.

۳. تاریخ تمدن، ۶۹۵/۳.

۴. معرفی عهد جدید، ۱۱۹/۲.

۵. معرفی عهد جدید، ۱۱۸/۲؛ تاریخ تمدن، ۶۹۵/۳.

۶. اعمال رسولان، ۱۳:۴.

همه شواهدی که گفته شد، بر این فرد منطبق است. احتمال دارد او نویسنده کتاب مکاشفه باشد؛ برخلاف انجیل چهارم و رساله‌ها.

دیگر نوشته‌های عهد جدید

تنها چهار رساله کوتاه از عهد جدید معرفی نشده‌اند، که عبارت‌اند از: رساله یعقوب، رساله‌های اول و دوم پطرس، رساله یهودا. با توجه به کم اهمیت بودن این رساله‌ها در عهد جدید، به اختصار به بررسی نویسندگان و تاریخ نگارش آنها می‌پردازیم.

الف) رساله یعقوب

شاید بتوان گفت تنها نوشته‌ای از عهد جدید که صریحاً تعالیم پولس را رد می‌کند، رساله یعقوب است. یکی از مهمترین تعالیم پولس این است که انسان تنها با ایمان به مسیح رستگار می‌شود، نه با عمل به شریعت. این گفته در رساله‌های پولس، به ویژه غلاطیان و رومیان، بارها تکرار شده است. اما نویسنده این رساله با صراحت تمام این گفته را رد می‌کند: «ای برادران من! چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم، وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ ولیکن ای مرد باطل! آیا می‌خواهی بدانی که ایمان بدون اعمال باطل است؟ آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد، وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید... پس می‌بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می‌شود، نه از ایمان تنها.»^۱

صراحت نویسنده این رساله به گونه‌ای است که گفته می‌شود در مخالفت مستقیم با پولس نوشته شده است.^۲

نویسنده این رساله خود را در ابتدای رساله، یعقوب، غلام عیسی مسیح، معرفی می‌کند. سنت کلیسا بر این است که این یعقوب برادر حضرت عیسی است.^۳ اما اشکال شده است که ادبیات یونانی این رساله بسیار خوب است و نمی‌تواند نوشته یعقوب برادر عیسی باشد.^۴ با توجه به این که در عهد جدید پنج نفر به نام یعقوب وجود دارد، مشخص کردن این که کدام یک این رساله را نوشته‌اند، چندان آسان نیست.^۵

۱. رساله یعقوب، ۱۴:۲، ۲۰-۲۴.

۲. HBD. p. 447.

۳. بر طبق عهد جدید، حضرت مریم نامزد یوسف نجار بود که حضرت عیسی از او زاده شد، و پس از آن چند فرزند دیگر را به دنیا آورد. متی، ۱:۲۵.

۴. ODC. p.711.

۵. NIDB. p. 494.



از محتوای رساله معلوم است که نباید قبل از فعالیتهای تبلیغی پولس نوشته شده باشد. از این رو، برخی می‌گویند از آن‌جا که یعقوب، برادر حضرت عیسی، در سال ۶۶ میلادی فوت کرده است، نمی‌توانسته به رساله‌های پولس دسترسی پیدا کند، تا این‌گونه با آنها به مخالفت بپردازد.^۱ اما می‌توان گفت که حتی اگر رساله‌ها در دسترس او نبوده است، طبیعی است که تعالیم پولس را - که در شهرهای مختلف قبل از آن زمان تبلیغ شده بود - شنیده باشد. با این‌که درباره تاریخ نگارش این رساله اختلاف است و برخی تاریخ آن را اوایل قرن دوم دانسته‌اند، اما بیشتر حدود سال ۶۰ میلادی را ترجیح می‌دهند،^۲ که با مطالب این رساله نیز مناسب است.

ب) دو رساله منسوب به پطرس

در عهد جدید دو رساله به پطرس رسول منسوب است که بزرگترین حواری حضرت عیسی به شمار می‌رفته است. هر دو رساله با نام پطرس رسول آغاز می‌شوند، و چنین می‌نماید که نویسنده آنها پطرس حواری است. رساله اول به کلیساهای شهرهای آسیای صغیر نوشته شده است، و مسیحیان آن منطقه را به صبر و بردباری دعوت می‌کند. البته در لابه‌لای آن عباراتی است که با تعالیم پولس بی‌شبهت نیست، و ادبیات آن با رساله‌های پولس قابل مقایسه است.^۳ سنت کلیسا این رساله را به پطرس رسول نسبت می‌داده است، اما محققان جدید این انتساب را به شدت زیر سؤال برده‌اند.^۴ آنها می‌گویند ادبیات یونانی عالی این رساله، نمی‌تواند نوشته یک ماهیگیر ساده باشد. همچنین فقراتی از آن به تعالیم پولسی شبیه است. دیگر این‌که شکنجه و آزار مسیحیان آسیای صغیر به این زودی نبوده است که پطرس برای آنها نامه بنویسد و آنها را به صبر و شکیبایی توصیه کند. همه این امور نشانه آن است که فرد دیگری - که احتمالاً از پیروان پطرس بوده - نزدیک به پایان قرن اول این رساله را نوشته است.^۵

رساله دوم پطرس هم مسیحیان را به صبر و بردباری دعوت می‌کند، و حقایقی را درباره ایمان مسیحی به آنها گوشزد می‌کند و مسیحیان را از هرزگی و بی‌بند و باری برحذر می‌دارد. در عهد جدید، غیر از کتاب اعمال رسولان و رساله‌های پولس، تنها در یک جا از پولس سخن رفته و از او تعریف شده است؛ آن هم پایان همین رساله است. بنابراین، اگر انتساب این رساله



1 . HBD. p.447.

۲. کلید عهد جدید، ص ۲۲۰-۲۲۱.

3. ODC. p. 1051.

۴. المدخل الى العهد الجديد، ص ۷۲۹.

5 . HBD. p.779.

به پطرس ثابت شود، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این رساله، چه از نظر محتوا و چه از نظر شیوه نگارش، با رساله اول اختلاف فاحشی دارد.^۱

هرچند این رساله به پطرس نسبت داده می‌شود، محققان تاریخ نگارش آن را حدود سال ۱۵۰ میلادی می‌دانند، و برای آن شواهد فراوانی می‌آورند. بنابراین، نویسنده آن فردی دیگر بوده است و برای این که نوشته‌اش مورد قبول واقع شود، آن را به پطرس نسبت داده است.^۲

ج) رساله یهودا

این رساله بسیار کوتاه، درباره خطر معلمان دروغین و پرهیز از هرزگی و بی‌بند و باری مطالبی را به مسیحیان گوشزد می‌کند. رساله با نام «یهودا غلام عیسی مسیح و برادر یعقوب» آغاز می‌شود؛ و معتقد بوده‌اند که یهودا برادر عیسی و یعقوب است. اما بسیاری از دانشمندان این نسبت را نادرست می‌دانند و زمان نگارش این رساله را قرن دوم می‌دانند.^۳ بسیاری معتقدند مطالب این رساله مربوط به زمانی بسیار متأخرتر از آن است که یکی از معاصران حضرت عیسی و حواریون بتواند آن را بنویسد.^۴ با این حال، برخی تاریخ آن را اواخر قرن اول^۵ و یا قبل از تخریب اورشلیم در سال ۷۰ میلادی می‌دانند.^۶

جمع بندی

الف) هیچ یک از قسمتهای عهد جدید را نمی‌توان به صورت قطعی به حواریون نسبت داد؛ و اگر بخواهیم بحثها و دلایل دانشمندان و محققان جدید را مبنا قرار دهیم، باید بگوییم از این مجموعه، که اناجیل متی و یوحنا و رساله‌های یوحنا و مکاشفه یوحنا و دو رساله پطرس، سناً به حواریون نسبت داده می‌شده است، به جز کتاب مکاشفه، استناد بقیه تقریباً به صورت قطعی رد شده است. مضافاً این که کتاب مکاشفه هم مورد تردید واقع شده است.

ب) تنها قسمتی از عهد جدید، که نویسنده آن به صورت قطعی مشخص است، هفت یا هشت رساله پولس است.

ج) مسلم است که رساله‌های پولس نخستین نوشته‌های عهد جدیدند، و پیش از این که

1 . ODC . p.1051.

۲ . همان؛ کلید عهد جدید، ص ۲۳۹؛ و: HBD. p.780.

۳ . المدخل الى العهد الجديد، ص ۷۵۹.

4 . HBD. p.514.

۵ . کلید عهد جدید، ص ۲۳۶.

6 . ODC. p.750.

سایر بخشهای عهد جدید نوشته شود، پولس قبل از سال ۶۵ میلادی، در شهرهای مختلف اندیشه‌های خود را تبلیغ می‌کرد.

د) انجیل نویسی پس از سال ۶۵ میلادی، یعنی سال کشته شدن پطرس و پولس، آغاز گشته است؛ و سه انجیل هم‌نوا و دیگر قسمتهای عهد جدید از این زمان به بعد نوشته شده‌اند. ه) در عهد جدید دو الهیات به چشم می‌خورد: عیسی‌خدایی، عیسی‌بشری. سالها قبل از نوشته شدن بخش عیسی‌بشری، الهیات عیسی‌خدایی نوشته شده و در کلیساها خوانده می‌شده است. بنابراین، شاید بتوان گفت زمانی که انجیل نویسان اناجیل هم‌نوا را می‌نگاشته‌اند، چند دهه از آغاز تبلیغ الهیات پولسی گذشته بود؛ و اگر در آنها تعبیری از قبیل «پسر خدا» وجود دارد، به معنای الوهیت نیست. اما کاربرد لفظ «پسر»، و تصویر رابطه‌ای خاص میان حضرت عیسی و خدا، تحت تأثیر ادبیات پولسی بوده است، که در آن زمان رواج داشت.

و) غیر از رساله‌های پولس، انجیل چهارم و سه رساله منسوب به یوحنا نیز از الهیات عیسی‌خدایی پیروی می‌کنند. اگر به تاریخ نگارش این چهار نوشته نگاه کنیم، می‌بینیم فاصله قابل توجهی با تاریخ نگارش اناجیل هم‌نوا دارند؛ یعنی حدود سی سال پس از اناجیل هم‌نوا و بیش از نیم قرن پس از رساله‌های پولس نگاشته شده‌اند. بنابراین، با گذشت زمان، الهیات پولسی و عیسی‌خدایی بیشتر رایج می‌شده است؛ به گونه‌ای که این اندیشه در انجیل چهارم و برخی رساله‌های منسوب به یوحنا از رساله‌های پولس شدیدتر و صریحتر شده است.

ز) رساله‌های پولس یک عقیده و اندیشه و یک الهیات ویژه را ترویج می‌کرده که شخصیت مسیح در آن نقش محوری و اصلی را داشته است. همچنین این عقیده سالها ترویج و تبلیغ می‌شده و بعدها زندگینامه حضرت عیسی در اناجیل هم‌نوا نگاشته شده است. از این رو، شاید کسی بتواند ادعا کند که این زندگینامه تحت تأثیر آن عقاید نگاشته شده است.

ح) پولس خود را مأمور تبلیغ در میان غیریهودیان خواند، و غیریهودیان در بخش بسیار وسیعی از امپراتوری روم ساکن بودند؛ و بی‌آنکه اطلاعی از یهودیت داشته باشند، ابتدائاً با روایت پولسی از مسیحیت آشنا گردیدند؛ و به زودی اکثریت مسیحیان را همین غیر یهودیان تشکیل دادند. بنابراین، نقش ویژه رساله‌های پولس و تعالیم او در مسیحیت روشن می‌شود. این نفوذ و تأثیر تا حدی است که برخی از مسیحیان می‌گویند: «پولس حواری را غالباً دومین مؤسس مسیحیت لقب داده‌اند»^۱ «پولس به خاطر توسعه یافتن افکارش - مخصوصاً توسط دسته‌ای از نویسندگان در پایان قرن اخیر - متهم به این شده است که آن قدر مسیحیت را تغییر داده که گویی مؤسس دوم آن است.»^۲



۱. تاریخ جامع ادیان، ص ۶۱۳

۲. مسیحیت و بدعتها، ص ۴۷.

منابع فارسی

۱. کتاب مقدس.
۲. بی. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.
۳. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۴. فیلسون، فلوید، کلید عهد جدید، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات نورجهان، ۱۳۳۳.
۵. میلر، و. م.، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، انتشارات حیات ابدی، چاپ دوم، ۱۹۸۱.
۶. ا. گریدی، جوان، مسیحیت و بدعتها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۷. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب چاپ اول، ۱۳۷۷.
۸. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، نشر نگارش، ۱۳۶۸.
۹. سی. تنی. مریل، معرفی عهد جدید، ج ۱ و ۲، ترجمه ط. میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۱۰. دوران، ویل، تاریخ تمدن، ج ۳ (قیصر و مسیح)، ترجمه حمید عنایت و...، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۱۱. رابرتسون، آرچیبالد، عیسی؛ اسطوره یا تاریخ، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷.

منابع عربی

۱. الفغالی، الخوری بولس، المدخل الى الكتاب المقدس، ج ۵، بیروت، منشورات المكتبة البولیسته، چاپ اول، ۱۹۹۵.
۲. جماعة من اللاهوتیین، تفسیر الكتاب المقدس، ج ۵، بیروت، دار منشورات النفر، چاپ دوم، ۱۹۹۰.
۳. جماعة من اللاهوتیین، تفسیر الكتاب المقدس، ج ۶، بیروت، دار منشورات النفر، چاپ اول، ۱۹۸۸.
۴. شلبی، الدكتور احمد، مقارنة الادیان، ج ۲، (المسیحة)، قاهره، مكتبة النهضة المصریه، چاپ دهم، ۱۹۹۳.

٥. الفغالى، الخورى بولس، المدخل الى الكتاب المقدس، ج ٤، بيروت، منشورات المكتبة البوليسية، چاپ اول، ١٩٩٤.
٦. تفسير العهد الجديد، قاهره، دارالثقافة، چاپ دوم، بی تا.
٧. عبدالملك، الدكتور پطرس و...، قاموس الكتاب المقدس، قاهره، دارالثقافة، چاپ دهم، ١٩٩٥.
٨. فهيم عزيز، الدكتور القس، المدخل الى العهد الجديد، قاهره، دارالثقافة، بی تا.

منابع انگلیسی

1. Eliade, Mircea: *The Encyclopedia of Religion*, V. 8, 9, 2 Macmilan Publishing Company, New York, 1987. (ER. ME: علامت اختصارى)
2. D. Gardner, Paulo, *Who's Who in the Bible*, Zondervan Publishing House, Grand Rapids, Michigan, 1995. (WB: علامت اختصارى)
3. Douglas, J. D: *The New International Dictionary of the Bible*, Requery reference Library, Grand Rapids, Mi, U. S. A, 1987.(NIDB: علامت اختصارى)
4. Achtemeier, Paul J.: *Harper's Bible Dictionary*, Harper San Francisco, 1985. (HBD: علامت اختصارى)
5. Cross, F. L: *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, London, Oxford University Press, 1957. (ODC: علامت اختصارى)